

ایران؛ دیپلماسی اقتصادی و جهانی شدن اقتصاد

معاونت سیاست خارجی و روابط بین الملل

مقدمه

لیبرال جهانی افزایش دهند و یا تقویت کنند. بدون تردید در عصر جهانی شدن اقتصاد متغیرهای امنیتی و سیاسی اهمیت گذشته خود را در تعریف جایگاه کشورها در سطح بین المللی از دست داده اند و، اهمیت متغیرهای اقتصادی و فنی افزایش یافته است. بنابراین کشورهای در عرصه جهانی واجد جایگاهی رفیع می باشند که از قدرت اقتصادی بالا و توانایی تأثیرگذاری بیشتر بر معادلات اقتصادی، تجاری و مالی بین المللی برخوردار باشند. در این زمینه کشورهای در حال توسعه با مشکلات بسیاری مواجه می باشند. این کشورها به دلیل ضعف ساختارهای اقتصاد داخلی ناتوان از تأثیرگذاری بر روندهای موجود و در حال ایجاد

تحولات جهانی در دو دهه گذشته، روندهای جدیدی را بر روابط بین الملل تحمیل کرده است. این روندها که در شکل تغییر قواعد بازی در نظام بین الملل، ظهور بازیگران جدید، تغییر اولویتها در منافع ملی کشورها، گسترش ارتباطات و تنوع اطلاعات و افزایش پیوندها و وابستگیهای فراملی نمایان گردیده، عمدتاً نشأت گرفته از فرایند روبه تکامل جهانی شدن اقتصاد می باشد. این فرایند به طور طبیعی، الزاماتی را به کشورها تحمیل کرده است. کشورها در چارچوب این الزامات که در شکل فرصتها و چالشهای جهانی شدن تجلی یافته، تلاش دارند جایگاه و مرتبت خود را در اقتصاد

اقتصاد جهانی و در نتیجه ارتقاء و حفظ جایگاه خود در این عرصه متناسب با ظرفیتهای و تواناییهای بالفعل و بالقوه خود می باشند. البته این کشورها

با توجه به میزان توسعه اقتصادی و نوع پیوند آنها با اقتصاد جهانی از شرایط مختلفی برخوردار می باشند که عموماً این کشورها در دو قالب کشورهای در حال توسعه و کشورهای کمتر توسعه یافته تقسیم می شوند.

ایران نیز از جمله کشورهای در حال توسعه ای است که با وجود ظرفیتهای قابل توجه از جایگاهی قابل قبول در عرصه اقتصاد جهانی برخوردار نمی باشد. این وضعیت جدای از شرایط تاریخی کشور، معلول نابسامانی و ضعف ساختارهای اقتصادی ایران می باشد.

در ایجاد چنین شرایطی عوامل و متغیرهای مختلفی دخیل می باشد. از جمله این متغیرها، ماهیت روابط دیپلماتیک و مناسبات خارجی کشور است. در حال حاضر به نظر می رسد بار سیاسی و امنیتی بر مناسبات خارجی کشور غالب باشد. به عبارت دیگر مناسبات خارجی عموماً در چارچوبهای سیاسی و امنیتی تعریف، طراحی و اجرا می گردد.

بنابراین با توجه به تحولات بین المللی در حال انجام و تفوق متغیرهای اقتصادی و فنی، این سؤال مطرح می شود که کدام رهیافت در شرایط کنونی بهتر می تواند در تأمین منافع ایران و ارتقاء جایگاه آن در اقتصاد جهانی مؤثر باشد؟

در پاسخ به سؤال فوق این فرضیه مطرح

می شود که در شرایط کنونی، دیپلماسی اقتصادی مؤثرترین رهیافت در ارتقاء جایگاه ایران در اقتصاد جهانی است.

این مقاله در دو بخش تنظیم گردیده است. بخش اول به ماهیت جهانی شدن و اهمیت دیپلماسی اقتصادی اختصاص دارد. و بخش دوم نیز کاربرد این رهیافت در مناسبات خارجی ایران و با نگاهی به جایگاه کنونی ایران در اقتصاد جهانی بررسی می گردد.

جهانی شدن اقتصاد؛ ماهیت و الزامهای آن

جهانی شدن اقتصاد بارزترین و مشخص ترین نمونه جهانی شدن به شمار می آید. به عبارت دیگر جهانی شدن در بُعد اقتصادی از گستردگی، سرعت و عمق بیشتری برخوردار می باشد. وجه مسلط و غالب اقتصاد در فرایند جهانی شدن به گونه ای است که ابعاد سیاسی و فرهنگی این فرایند تحت تأثیر بُعد اقتصادی شکل گرفته و در حال انجام است. این مهم به عینه در مباحث نظری و تئوریک جهانی شدن در معنای امروزی آن جلوه گر می باشد.

۱- ماهیت جهانی شدن اقتصاد: جهانی شدن اقتصاد دو مشخصه ممتاز را شامل می شود. حیثه Scope و عمق Oeeping. از یک طرف در بردارنده مجموعه ای از فرایندهاست که در سراسر جهان نمود پیدا می کند و از طرف دیگر مستلزم سطوح بالای تعامل یا وابستگی متقابل میان دولتها و جوامع که تشکیل دهنده جامعه

جهانی هستند، می‌باشد. در این شرایط، جهانی شدن اقتصاد فرایندی رو به پیشرفت است که در آن تعاملات فرامرزی به سرعت در حال شکل‌گیری و گسترش است و وابستگی متقابل اقتصادی میان کنشهای واحدهای در حال جهانی شدن (حکومتها و نهادهای عمومی و خصوصی در یک کشور) در حال تعمیق^(۱).

سطحی‌ترین شکل جهانی شدن اقتصادی این است که یک واحد اقتصادی در کشورهای خاص، در قالب اهداف تجاری دراز مدت در شیوه تولید با واحد اقتصادی دیگر در کشورهای دیگر مرتبط شود. اما شکل عمیق‌تر شکل جهانی شدن اقتصاد، که آن را از دیگر اشکال بین‌المللی شدن متمایز می‌سازد، این است که یک واحد اقتصادی با تعداد زیادی از واحدهای اقتصادی دیگر در سراسر جهان در تعامل باشد، این تعامل شامل شبکه‌ای زنجیروار از ارزش افزوده، انتقال آسان و سریع سودهای به دست آمده و هزاران نوع دیگر از همکاری است.^(۲)

جهانی شدن اقتصاد آخرین مرحله گسترش سرمایه‌داری و فعالیتهایی است که مبدا آن به دوران ماقبل صنعتی شدن باز می‌گردد. ضرورتاً سرعت و حرکت این روند ناشی از توسعه تکنولوژیهای ارتباطی و حمل و نقل عملکرد حکومتها در ایجاد، مدیریت و هدایت تواناییها و ظرفیتهای اقتصادی است! این روند دو بُعد کلی را شامل می‌شود: کمی و کیفی. به لحاظ کمی جهانی شدن اقتصاد در افزایش تجارت، حرکت سیال سرمایه‌ها و سرمایه‌گذاریها، افزایش

مسافرتها و مهاجرتها و... تبلور می‌یابد. برخی از صاحب نظران از این بُعد به عنوان وابستگی متقابل فراملی نام می‌برند. اما بُعد اصلی جهانی شدن اقتصاد در تحولات کیفی است. این تحولات برخلاف بُعد کمی که ویژگی قرن بیستم است در سالهای اخیر به عینه خود را نشان داده است و در قالب تسلط متغیرهای اقتصادی بر تعاملات بین‌المللی، ظهور بازیگران جدید جهانی و توسعه سریع فن‌آوریهای ارتباطی تبلور یافته است. این تحولات سبب گردیده که بسیاری از نظریه پردازان از پایان یافتن دوران بین‌المللی یا International و آغاز دوران جهانی یا Global سخن به زبان آورند.^(۳)

در پیدایش این شرایط، عوامل مختلفی دخیل هستند: اولین عامل الزام شرکتهای تجاری به ایجاد و ابداع تولیدات جدید و افزایش کیفیت کالاها و خدمات است. این مهم به توسعه تحقیقات، فن‌آوریها و هماهنگی بین شرکتهای مختلف کمک کرده است. عامل دوم، گرایش حکومتها و رژیمهای منطقه‌ای نسبت به سیاستهای بازار محور است. در طول سالهای اخیر، بیش از ۵۰ کشور سیستم برنامه ریزی متمرکز را ترک کرده و بیشتر از ۸۰ کشور نیز سیاستهای بازار آزاد را در پیش گرفته‌اند. خصوصی‌سازی شرکتهای دولتی، آزادسازی و تنظیم بازار به ویژه خدمات، و رفع بسیاری از محدودیتهای ساختاری نسبت به ادغامهای فرامرزی از جمله اقدامهای صورت گرفته در این چارچوب می‌باشد. جدای از سطح خود یا

ملی، این تحولات در سطوح کلان (منطقه‌ای این و بین‌المللی) نیز خود را نشان داده است.^(۴) بنابراین ماهیت تحولات اقتصادی اخیر در سطوح مختلف عموماً گرایش به وحدت دارد. این وحدت در قالب سیستمهای تولید، توزیع و مصرف که کل اقتصاد را در خود جای داده در حال ظهور است. این سیستمها به طور طبیعی در چارچوب نظام جهانی سرمایه‌داری تعریف می‌شوند. در اصل نظام سرمایه‌داری و اقتصاد جهانی بر طبق نظر لیبرالها، دوروی یک سکه می‌باشند.^(۵) به این ترتیب که از یک طرف سرمایه‌داری یک نظام جهانی است و از طرف دیگر اقتصاد جهانی صرفاً در قالب و شکل سرمایه‌داری وجود می‌یابد. بنابراین جهانی شدن اقتصاد همان جهانی شدن سرمایه‌داری است که رهیافتهای مختلف و حتی رهیافت رادیکال (البته بانگرشی بدبینانه) به آن به درجات مختلف اعتقاد دارند.^(۵)

۲- عناصر جهانی شدن اقتصاد: در مطالعه فرایند جهانی شدن اقتصاد، عوامل و عناصر مختلفی یافت می‌شود که هر یک به نوبه خود در ایجاد و تداوم این فرایند مؤثر واقع شده و می‌شوند، اما به طور کلی، چهار عنصر اساسی و بنیادین که به طور ملموس چرخهای جهانی شدن اقتصاد به شمار می‌روند و سایر پدیده‌ها و عوامل جهانی شدن را تحت تأثیر قرار داده‌اند عبارتند از: رشد تکنولوژی، تجارت جهانی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و بازارهای مالی

و سرمایه و تکنولوژی از جمله عناصر اولیه و بنیادین فرایند جهانی شدن اقتصاد به شمار می‌آید. این نقش کارآمد و مهم به طور طبیعی در پیشرفت سریع تکنولوژیهای ارتباطی و حمل و نقل و در شرایط کنونی تکنولوژی ارتباطات الکترونیکی تبلور یافته است. در واقع انقلاب ارتباطات و اطلاعات که محصول توسعه پویای تکنولوژی است، روند ادغامها و تملکهای فرامرزی (Mergers Aquisitions Cross - Border) را آسان ساخته و موانع و محدودیتهای فیزیکی و جغرافیایی را از بین برده یا خنثی ساخته است. در حال حاضر با دیجیتالی شدن بازارهای مالی و سرمایه، بسیاری از خدمات مورد نیاز در اسرع وقت و با کمترین هزینه قابل انتقال می‌باشد.^(۶)

افزایش همکاری جهانی برای دستیابی به تکنولوژیهای پیشرفته‌تر و گسترده‌گی جهانی تولید تکنولوژی از پدیده‌های جدید تکنولوژی در عصر جهانی شدن اقتصاد است. در حال حاضر شرکتهای بزرگ تجاری و تولیدی با هدف دستیابی به تکنولوژیهای دانش‌گرا تر و افزایش رشد کیفی محصولات خود، همکاری گسترده‌ای در این زمینه دارند که همان‌گونه که گفته شد ممکن است به ادغام آنها نیز منجر شود. علاوه بر این، در حال حاضر فرایند تولید و به کارگیری تکنولوژی صرفاً به چند کشور پیشرفته مانند گذشته منحصر نمی‌باشد و این پدیده در نتیجه اقدام شرکتهای چند ملیتی به بسیاری از کشورهای در حال توسعه و توسعه

نیافته نیز منتقل شده است.^(۳) این وضعیت جهان‌گرایی تکنولوژی را به عنوان یکی از شاخصهای مهم جهانی شدن اقتصاد مطرح ساخته و اخیراً نیز در چارچوب سازمان تجارت جهانی، قوانینی برای تنظیم روند تولید، انتقال و بهره‌گیری از تکنولوژیهای جدید به تصویب رسیده است.

توسعه کمی و کیفی تجارت در سطح جهانی از بنیادی‌ترین، مهم‌ترین و بارزترین عناصر جهانی شدن اقتصاد به شمار می‌آید. این عنصر که سابقه‌ای به قدمت فرایند جهانی شدن اقتصاد دارد، بار اصلی و اولیه این فرایند را به دوش می‌کشد. به عبارت دیگر تجارت بین‌المللی اولین نمود و سمبل جهانی شدن اقتصاد به حساب می‌آید که سابقه آن به اواسط قرن نوزدهم باز می‌گردد. علاوه بر این در طول دو قرن گذشته، کمیت و کیفیت تجارت بین‌المللی عامل تند کننده یا کند کننده فرایند جهانی شدن اقتصاد بوده است. این مهم در افزایش سیاستهای حمایت‌گرایانه از تولیدات ملی و در نتیجه افزایش موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای بر صادرات و واردات و همچنین کاهش این موانع و کنار گذاشته شدن سیاستهای حمایت‌گرایانه در برهه‌ای دیگر تعریف می‌گردد.^(۷) در واقع تجارت آزاد شکل مطلوب و کارآمد جهانی شدن اقتصاد است. مبنای اصلی این نظر نیز با نظریات کلاسیک اندیشمندان لیبرال یعنی آدام اسمیت و ریکاردو می‌باشد. بر این اساس، تخصصی شدن فعالیتهای اقتصادی موجب افزایش کیفیت و

کمیت تولید و در نتیجه افزایش درآمد و رفاه اجتماعی می‌شود. این مهم بر مبنای اصل مزیت نسبی و در چارچوب سیستم تجارت آزاد صورت می‌گیرد. با این حال در عصر جهانی شدن اقتصاد تجارت از اشکال سنتی و محدود خود خارج شده و در قالبهای جدید یعنی مدیریت تجارت جهانی از سوی سازمان تجارت جهانی و ظهور منطقه‌گرایی و در پیوند با پدیده‌های دیگر اقتصاد جهانی یعنی سرمایه‌گذارهای مستقیم خارجی و بازارهای مالی، به روند رو به رشد خود ادامه می‌دهد. این روند در فرایند جهانی شدن اقتصاد به اندازه‌ای مهم است که برخی جهانی شدن را تغییر شکل تولید، توزیع و بازاریابی کالاها و خدمات و همچنین گسترش رژیمهای تجاری بین‌المللی به همه کشورها تعریف می‌کنند. نتیجه چنین سیستمی ایجاد یک الگوی تجاری است که بازیگران مختلف منافع خود را در آن جستجو می‌کنند.^(۸)

جریان سیال و پرتحرک سرمایه‌گذارهای مستقیم خارجی امروزه جدیدترین، نمود جهانی شدن اقتصاد است. در پرتو فرایند جهانی شدن، سرمایه‌ها با هدف کسب سود بیشتر به آسانی و با حجم عظیمی در سراسر جهان در حرکت می‌باشند و این جریان سیال زمینه ساز تحولات اقتصادی مهم در سراسر جهان و در نهایت پویایی و حیات سرمایه‌داری جهانی است. این پدیده که عمدتاً محصول دهه ۱۹۸۰ و به

ویژه ۱۹۹۰ می باشد، جدای از اینکه حاصل تحولاتی ریشه دار در اقتصاد جهانی پس از جنگ جهانی دوم می باشد، تحولاتی که نمود عینی آن ظهور شرکتهای چندملیتی است، خود عامل یا موجد تحولاتی عمیق در اقتصاد جهانی گردیده است. این تحولات به طور خاص شامل بین المللی شدن تولید، رشد سریع تکنولوژی، شکوفا شدن مزیتها در اقصاء نقاط دنیا و در نتیجه ظهور آثار رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه و در نهایت تسهیل ارتباطات اقتصادی بین المللی در پرتو کاهش محدودیتها و موانع دولتی می باشد.^(۹) امروزه با آشکار شدن آثار مثبت جریان سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی، رقابت بازیگران اقتصادی به ویژه دولتهای کشورهای در حال توسعه برای جذب و به کارگیری این منابع مالی تشدید شده است. علاوه بر این آسیب پذیری و حساسیت واحدهای اقتصادی مخصوصاً کشورهای در حال توسعه نسبت به نوسان یارکودهای احتمالی در جریان سرمایه گذاریهای خارجی نیز افزایش یافته است. نهاد مهم این آسیب پذیری، بحران اقتصادی آسیای جنوب شرقی در سال ۱۹۹۷ می باشد. ادغامهای شرکتهای بزرگ چند ملیتی برای رهایی از خطر ورشکستگی در دنیای رقابتی امروزه از دیگر نهادهای آسیب پذیری جهت سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی قلمداد می شود. هر چند این ادغامها خود به توسعه جریان سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی کمک کرده و می کند. با این حال تحرک سر

مایه ها به انتقال تکنولوژی، مدیریت و الگوهای رشد اقتصادی و همچنین بین المللی شدن تولید از یک طرف و از طرف دیگر کاهش اهمیت مفاهیمی نظیر مزیت نسبی، تقسیم بین المللی کار و... می انجامد.^(۱۰)

یکی از ویژگیها و عناصر جهانی شدن در دوران کنونی، ادغام گسترده بازارهای مالی ملی و گسترش فعالیت بازارهای دیگر بین المللی است. در واقع استقلال و کارکرد بازارهای مالی ملی در عصر جهانی شدن به شدت تحت تأثیر عوامل مالی و پولی بین المللی کاهش یافته و کمترین نوسان یا تغییر در بازارهای مالی بزرگ آثار آن به نسبت در بازارهای مالی مختلف دنیا هویدا می گردد.^(۱۱) این مسئله به طور طبیعی یکی از زمینه های چالش حاکمیت ملی دولتها در عرصه سیاستگذاری و مدیریت ساختار مالی و پولی آنها به شمار می رود. پیوستگی بازارهای مالی به ویژه بازار سهام و اوراق قرضه در میان کشورهای توسعه یافته به طور طبیعی مانع از دخالت بیش از حد دولت در ساختار این بازارها می شود و کشورهای ضعیف در اقتصاد جهانی مجبور به فعالیت در قالب فضاها ایجاد شده از سوی بازارهای مالی و پولی بین المللی می باشند. فعالیت و سازگاری در این فضا از الزامات جهانی شدن اقتصاد است.^(۱۲)

۳- اهمیت دیپلماسی اقتصادی: تعمیق و گسترش فرایند جهانی شدن اقتصاد در دو دهه اخیر، بسیاری از روندهای جهان را تحت تأثیر

قرار داده و الزامات جدیدی را تحمیل کرده است. به طور کلی تحولات جدید در گستره جهانی شدن اقتصاد را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۵- رشد اتحادیه‌های تجاری و اقتصادی

منطقه‌ای: یکی از آثار و پیامدهای جهانی شدن اقتصاد، افزایش ترتیبات تجاری و اقتصادی منطقه‌ای می‌باشد. اتحادیه‌اروپا در طول یک دهه گذشته پیشرفت محسوسی در وحدت اقتصادی به ویژه وحدت پولی و کاهش تعرفه‌های تجاری داشته است. در آمریکای شمالی، نفتا به تدریج به عنوان یک اتحادیه تجاری منطقه‌ای قدرتمند در حال ظهور است. در برخی از مناطق در حال توسعه نیز گرایش به منطق‌گرایی افزایش یافته است. این گرایش در آمریکای جنوبی و در قالب اتحادیه تجاری آمریکای جنوبی (مرکوسور) از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد. در حال حاضر، مرکوسور به بزرگ‌ترین و فعال‌ترین اتحادیه تجاری منطقه‌ای در میان کشورهای در حال توسعه تبدیل شده است. این گرایش در مناطق دیگر به ویژه آسیای جنوب شرقی در قالب ایجاد منطقه آزاد تجاری، آسیای جنوبی در قالب سارک نیز ملموس می‌باشد. بنابراین در شرایطی که به نظر می‌رسد رقابتها و تعاملات اقتصادی آینده با تکمیل و تقویت اتحادیه‌های تجاری منطقه‌ای در قالب بین منطقه‌ای ظهور یابد، شناسایی این اتحادیه‌ها و آشنایی با قواعد و مقررات آن لازم به نظر می‌رسد.^(۱۴)

۶- ادغام در اقتصاد جهانی: از جمله مسائل

۴- افزایش نقش سازمانهای اقتصادی

بین‌المللی در مدیریت اقتصاد جهانی: در حال حاضر نهادهایی چون صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی و همچنین گروه هشت کشور صنعتی به دلیل کسب مشروعیت بین‌المللی و افزایش قدرت تأثیرگذاری، نقش قابل توجهی در مدیریت فرایندهای اقتصاد و جهانی بر عهده گرفته‌اند. در این میان، نقش سازمان تجارت جهانی به لحاظ تدوین و تنظیم قواعد تجارت جهانی و الزام کشورهای عضو به رعایت این قواعد از برجستگی بیشتری برخوردار می‌باشد. در چنین شرایطی ارتباط با سازمانهای فوق و جلب حمایت آنها از اهمیت خاصی برای دولت‌ها به ویژه دولت‌های در حال توسعه برخوردار است. گو اینکه در حال حاضر بسیاری از کشورهای در حال توسعه ملزم به اجرای برنامه‌های توسعه صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و در نتیجه بهره‌مندی از منابع مالی آنها می‌باشند. ضمن اینکه تأثیر برنامه‌های اقتصادی و ارائه چشم‌اندازی مطلوب از اوضاع اقتصادی کشورها از سوی سازمانهای فوق در ارتقاء جایگاه کشورها در اقتصاد جهانی و در نتیجه کاهش ریسک سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی

بحث برانگیز در ادبیات جهانی شدن اقتصاد، ادغام کشورهای در حال توسعه در این فرایند می‌باشد. اصل ادغام کشورهای در حال توسعه در فرایند جهانی شدن اقتصاد امری الزامی به نظر می‌رسد و تجربه دو دهه گذشته در مورد اغلب این کشورها و سیاستهای اتخاذ شده، تأییدکننده این مسئله است. البته ادغام کشورهای در حال توسعه در اقتصاد جهانی، پدیده‌ای جدید نیست، اما آنچه می‌تواند جدید باشد ادغام کارآمد و مؤثر است. در شرایط کنونی، انگیزه و رقابت این کشورها برای بهره‌گیری از فرصتهای موجود تشدید گردیده است. از جمله الزامات موفقیت کشورها در این زمینه، کاهش و کنترل مخاطرات و کنشهای سیاسی در عرصه روابط بین‌المللی می‌باشد. بدون تردید به هر میزان که کشوری با محیط پیرامونی خود در تضاد باشد، به همان میزان و حتی بیشتر در برقراری ارتباط با آن و بهره‌مندی از تواناییهای آن ناموفق خواهد بود. بنابراین پذیرش قواعد بازی و تلاش برای بهره‌مندی از این قواعد در جهت پیروزی و زنده ماندن اصلی منطقی به شمار می‌آید. در شرایطی که تعاملات اقتصادی و فنی به متغیرهای غالب سیستم جهانی تبدیل شده‌اند، فعالیت در این چارچوب و تلاش برای بهره‌گیری از تواناییهای آن در جهت تأمین منافع ملی، ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا بسیاری از کشورهای در حال توسعه که هم اکنون از موفقیت قابل توجهی در عرصه اقتصاد جهانی برخوردار هستند، دیپلماسی

اقتصادی توانمندی را در پیش گرفته‌اند، این دیپلماسی در بردارنده ویژگیهای زیر است:

- تقدّم ملاحظات اقتصادی بر ملاحظات سیاسی، امنیتی و ایدئولوژیک دوران جنگ سرد در جهت تأمین منافع ملی؛
- درک و پذیرش تحولات اقتصاد جهانی و برنامه‌ریزی در جهت سازگاری بیشتر با آن؛
- تبدیل چالشها و بحرانها به فرصتها؛
- بهره‌گیری هر چه بیشتر از ابزارها و تواناییهای اقتصادی موجود در تعاملات دو جانبه و چند جانبه؛
- برقراری ارتباط با واحدهای اقتصادی و مالی بین‌المللی و بهره‌گیری از قدرت آنها در چانه‌زنیهای بین‌المللی؛
- و تلاش برای ایجاد نهادهای اقتصادی و تجاری منطقه‌ای و برقراری ارتباط با نهادهای مشابه در مناطق دیگر؛ بدون تردید کارآمدی این رهیافت در مورد کشورهای مختلف یکسان نیست. کشورهایی که از ظرفیتهای و پتانسیلهای اقتصادی بیشتری نظیر وجود منابع استراتژیک، بازار گسترده، سیستم اقتصادی بازار آزاد، وجود فرصتهای سرمایه‌گذاری بیشتر، دسترسی به کانالهای ارتباطی بین‌المللی، موقعیت جغرافیایی و استراتژیک و... برخوردار باشد، در اجرای این رهیافت به لحاظ سرعت و کارآمدی موفق‌تر خواهند بود.

در شرایط کنونی کارآمدی این رهیافت در میان کشورهای آسیای جنوب شرقی، چین و به میزان کمتر آمریکای جنوبی قابل مشاهده

است. در طول سه دهه گذشته، کشورهای آسیای جنوب شرقی با واقع بینی دیپلماسی اقتصادی را بر مناسبات خارجی خود حاکم ساخته و با استفاده از فضای سیاسی امنیتی دوران جنگ سرد و فضای اقتصادی پس از آن، از سرمایه و

دیگر امکانات اقتصاد بین‌المللی بهره گرفتند. در دوران جنگ سرد رهبری دنیای سرمایه داری برای تقویت و گسترش حوزه نفوذ خود ضمن تأکید برنامه‌های این کشورها، در جهت تقویت آن نیز گام برداشت و در مقابل بهره‌های سیاسی امنیتی لازم را نیز برد. پس از جنگ سرد این کشورها به دلیل توسعه زیرساختی، با گامهای بلندتر در جهت ارتقاء موقعیت خود در اقتصاد جهانی گام برداشتند. به گونه‌ای که بحران مالی ۱۹۹۷ نه تنها نتوانست آنها را از مسیر منحرف کند بلکه به تقویت بنیادهای توسعه این کشورها نیز کمک کرد. امروزه این کشورها

بیش از ۷۰ درصد سهم کشورهای در حال توسعه در تجارت جهانی و سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی را به خود اختصاص داده‌اند.^(۱۵) در مرتبه بالاتر، چین از ۱۹۷۸ با اجرای سیاست درهای باز، به‌طور ملموس تأثیرگذاری متغیرهای ایدئولوژیک و سیاسی را در مناسبات خارجی خود کمرنگ کرد و تحت راهبری

جایگاه کنونی ایران در اقتصاد و تجارت

جهانی

مجموعه شرایط و تحولات سیاسی ایران در ابعاد داخلی و بین‌المللی داخلی و بین‌المللی به

اقتصاد جهانی را به سرعت طی کند. در طول دو دهه گذشته، اولویت مهم چین در صحنه بین‌المللی بهره‌برداری از فرصتهای اقتصادی در جهت رشد و توسعه اقتصاد داخلی بوده و

همراه شرایط نامناسب اقتصادی و عدم ایجاد تقویت و رشد بخشهای اقتصادی توانمند، مانع از حضور قوی و مؤثر ایران در اقتصاد و تجارت جهانی شده است. این مهم به ویژه در دو دهه اخیر با توجه به فشارهای سیاسی و اقتصادی داخلی و خارجی از نمود بیشتری برخوردار می‌باشد.

در شرایط کنونی سهم ایران از تجارت جهانی بسیار اندک است. این مسئله به طور طبیعی نشان از موقعیت ضعیف کشور در تولید، کارآمدی، رقابت و مدیریت در سطح جهانی است. حضور ایران در بازارهای جهانی در طول دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی بیشتر متکی بر صادرات نفت، پنبه، خاویار و فرش بود. در اواخر دهه ۷۰، سهم ایران از بازارهای جهانی ۷۴۹ درصد بود. افزایش صادرات نفت موجب درآمد سرانه کشور به بیش از ۲۸۰۰ دلار گردید که این میزان ایران را در رده کشورهای با درآمد متوسط بالا قرار داد.^(۱۶) بروز بحرانهای سیاسی در دهه ۱۹۸۰ نظیر جنگ با عراق، بحرانهای سیاسی داخل، فشارهای سیاسی و اقتصادی خارجی نظیر تحریمهای آمریکا و تسری آثار و پیامدهای آن به دهه ۱۹۹۰، باعث گردید که ایران از بسیاری از تحولات مهم بین‌المللی نظیر جهانی شدن، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، فعالیت شرکتهای چندملیتی، توسعه اطلاعات و ارتباطات غالب شدن استراتژی توسعه صادرات دور ماند. این مسائل همگی در تضعیف نقش و جایگاه ایران در اقتصاد و تجارت جهانی مؤثر

واقع شدند.^(۱۷)

در طول دهه‌های گذشته پیوسته، ارتباط ایران با بازارهای جهانی از طریق فروش نفت و خرید مواد اولیه و تولیدات صنعتی بوده است. سهم ایران در تجارت جهانی در حال حاضر به کمتر از ۰/۳ درصد رسیده است.^(۱۸) این در حالی است که ارزش صادرات دنیا در حال حاضر بیش از ۷ هزار دلار در سال است و ایران در حدود ۲۰ میلیارد دلار آن را به خود اختصاص داده است. ایران تقریباً ۱ درصد جمعیت دنیا را در خود جای داده و اگر بخواهد یک درصد از تجارت جهانی را از آن خود کند زمانی معادل ۲۰ سال بارشد اقتصادی مستمر ۱۸ درصدی نیاز دارد.^(۱۹)

طبق برآوردهای انجام شده در فاصله سالهای ۱۹۹۲ - ۱۹۹۷ رتبه ایران در تجارت جهانی در بین ۶۰ کشور، پنجاه و هشتم بوده است. این رتبه در بین کشورهای منطقه خاورمیانه و آفریقا هفتم و پس از اسرائیل، آفریقای جنوبی، مصر، عربستان سعودی، الجزایر و نیجریه می‌باشد.^(۲۰) در زمینه جذب سرمایه‌گذاریهای خارجی نیز در طول دهه ۱۹۹۰ ایران در بین ۶۰ کشور جذب کننده این سرمایه، رتبه‌ای بهتر از پنجاه و هشتم را کسب نکرده است. کل سرمایه‌های خارجی وارد شده به ایران در طول دهه گذشته تقریباً ۳ میلیارد دلاری باشد که عمدتاً در صنایع نفت و گاز و به شیوه بیع متقابل متمرکز بوده است.^(۲۱) این آمار نشان از بالا بودن ریسک سرمایه‌گذاری در ایران و فقدان امنیت اقتصادی

لازم از دید سرمایه‌گذاران خارجی در کشور است. تا دو سال گذشته تحت تأثیر عوامل مختلف، مؤسسات مالی و بیمه‌ای جهانی حضور فعالی در امور تجاری و بازرگانی ایران نداشتند و اعتبار مالی و سرمایه‌گذاری لازم را در اختیار صاحبان سرمایه، خدمات و کالا قرار نمی‌دادند یا امنیت آن را تضمین نمی‌کرده و نمی‌کنند.

با افزایش قیمت نفت در سال گذشته و افزایش نسبی اعتبار خارجی ایران در پی اقدامات دولت در اجرای سیاست تنش‌زدایی موقعیت تجارت خارجی کشور در سال گذشته کمی افزایش یافت. بر اساس گزارش بانک مرکزی، ارزش کل صادرات ایران در سال ۱۳۷۹ ۲۴/۱ میلیارد دلار و ارزش واردات ۱۲/۴ میلیارد دلار بود که نشان از تراز مثبت ۱۷۷ میلیارد دلار دارد. این آمار بیانگر رشد قابل توجه ۲۳/۳ درصدی صادرات ایران نسبت به سال ۱۷۸ است که عمدتاً متأثر از رشد قیمت نفت در بازارهای جهانی است. ارزش صادرات غیر نفتی کشور نیز از ۳ میلیارد و ۴۵۶ میلیون دلار در سال ۱۳۷۸ به ۳ میلیارد و ۸۶۵ میلیون دلار در سال ۱۳۷۹ رسید که بیانگر رشد جزئی ۶ درصد است.^(۲۲) این میزان با پیش‌بینی برنامه سوم در سال اول (۴ میلیارد و ۵۸۱ میلیارد دلار) تفاوت زیادی دارد تقریباً یک سوم پیش‌بینی برنامه سوم محقق نشده است.^(۲۳) این مسئله نگرانی مسئولین و کارشناسان اقتصادی را مبنی بر عدم تحقق پیش‌بینی برنامه سوم برای دستیابی به

رقم ۵ میلیارد و ۹۴۷ میلیون دلار برای سال دوم را دربرداشته است. رسیدن به این میزان به معنای افزایش ۶۰ درصدی ارزش صادرات غیر نفتی نسبت به سال گذشته است که تحقق آن با شرایط کنونی کشور کمتر امکان‌پذیر است. این مسئله نگرانی تحقق پیش‌بینی برنامه سوم برای دستیابی به ۳۴/۸ میلیارد دلار در طول برنامه برای صادرات غیر نفتی را نیز موجب شده است.^(۲۴)

در بخش واردات نیز آمار بیانگر تفاوت واردات کشور با برنامه سوم است. طبق برنامه ارزش واردات کالا در سال ۱۳۷۹ باید ۱۶/۳ میلیارد دلار بالغ می‌شد در حالی که واردات کشور در این سال (۱۲/۴ میلیارد دلار) ۲۲/۷ درصد کمتر از اهداف برنامه بوده است. کاهش واردات عامل مثبتی برای رشد بخشهای اقتصادی کشور نیست. افزایش واردات متناسب با برنامه‌های کلان اقتصادی در جهت افزایش کیفی فن‌آوریهای صنعتی به‌ویژه تجهیزات سرمایه‌ای که در رونق تولید کالاهای صادراتی مؤثر می‌باشند، نقش مهمی در ارتقای اقتصادی کشور و رشد صادرات غیر نفتی دارد. کاهش واردات یا ثابت نگه داشتن آن در ایجاد تنوع بخشیدن شرکای تجاری ایران ایجاد مشکل می‌کند. طبق پیش‌بینی برنامه سوم برای سال جاری ارزش صادرات کشور باید به ۱۹/۸ میلیارد دلار (شامل ۱۲/۲ میلیارد دلار صادرات نفت و گاز و فراورده‌های نفتی، ۵/۹ میلیارد دلار کالاهای غیر نفتی و ۷/۲ میلیارد دلار صدور خدمات) بالغ

شود. همچنین ارزش واردات کالا و خدمات نیز به ترتیب ۱۷/۲ میلیارد دلار و ۳/۷ میلیارد دلار پیش بینی شده است.^(۲۴) در گزارشی که در اوایل سال جاری میلادی از سوی بنیاد هریتیج منتشر شد، محیط اقتصادی ایران مناسب رشد پایدار با مشارکت بخش خصوصی قلمداد شده است. براساس این گزارش، محیط اقتصادی ایران محیط بسته‌ای است و رتبه ایران به لحاظ ریسک اقتصادی در بین ۱۵۵ کشور جهان، ۱۵۱ می‌باشد.^(۲۵) در سال جاری همچنین ایران برای اولین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی توانست در بازارهای مالی و سرمایه‌ای اروپا حضور یابد و اوراق ارزی به میزان ۵۰۰ میلیون یورو به فروش رساند. این تجربه هر چند به لحاظ استقبال مشتریان و سرعت فروش همراه با موفقیت بود و دو بانک اروپایی نیز ضمانت آن را بر عهده داشتند، اما ایران به دلیل بالا بودن ریسک سرمایه‌گذاری، مجبور به عرضه این اوراق با بهره بیشتری نسبت به بهره‌های سایر اوراق ارزی گردید. این مسئله مخالفتها و انتقادهای بسیاری را برانگیخت.

کار بست دیپلماسی اقتصادی

آمار و ارقام منتشره از سوی منابع داخلی و خارجی وضعیت مناسب و مطلوبی را از اقتصاد ایران و جایگاه آن در اقتصاد و تجارت جهانی ترسیم نمی‌کند. مطالعه تجربه‌های اقتصادی در طول دهه‌های گذشته به ویژه دو دهه اخیر نشان از هدر رفتن فرصت‌های بسیاری را دارد.

فرصتهایی که در صورت استفاده می‌توانست موفقیت اقتصادی و تجاری ایران را در ابتدای قرن بیست و یکم تحکیم و تقویت کند.

به عقیده بسیاری از تحلیلگران، ایران همچنان کشور مهم و بزرگی به شمار می‌آید. هر چند در حال حاضر این اهمیت و بزرگی همراه با ایفای نقش در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی نیست. با این حال ایران اگر بخواهد از حساسیت و آسیب‌پذیری ناشی از ادغام در اقتصاد جهانی در امان باشد باید استراتژی پیوند تدریجی برنامه ریزی شده و سازنده را اتخاذ کند. لازمه این پیوند نیز انجام اصلاحات و تحولات ساختاری عمیق در لایه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه است. در این راستا دولت به عنوان مهم‌ترین و قوی‌ترین نهاد سیاسی، اقتصادی نقش اصلی و اولیه را بر عهده دارد.^(۲۶) این نقش ناشی از فشار اصلی الزامات جهانی شدن بر دولتهاست. چرا که در کشور نهادهای اجتماعی متعدد و متنوع قدرتمند برای به دوش کشیدن بخشی از مسئولیتها و فشارها، ایجاد نشده و این دولت است که همه مسئولیتها و کارکردها را به خود اختصاص داده است. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد که مسئولیت اصلی و اولیه مقابله با آسیب‌پذیریهای موجود و فراهم کردن زمینه حضور موفق و فعال در اقتصاد جهانی بر عهده دولت باشد.^(۲۷) البته این نقش نامحدود و بی‌انتهای نیست. بنابراین برخلاف تصور رایج نسبت به موقعیت دولت در فرایند جهانی شدن، دولت در کشورهای در

حال توسعه واز جمله ایران، از نقش و مسئولیت به مراتب بیشتری نسبت به گذشته برخوردار می شوند هر چند به لحاظ ساختاری مجبور به از دست دادن بسیاری از مسئولیتها و کنترلهای گذشته به ویژه در بُعد اقتصادی به نفع بخشهای خصوصی و گروههای صنفی شود. با این حال این نقش و مسئولیت در عرصه بین المللی و در قالب چانه زنیهای سیاسی و اقتصادی، برای جلب اعتماد و اعتبار بین المللی انعقاد پیمانهای سیاسی و اقتصادی یا کشورهای خارجی و همکاری با مؤسسات مالی و اعتباری بین المللی از اهمیت بسیاری برخوردار می باشد.^(۲۸)

موفقیت دولتها در انجام وظایف محوله در عصر جهانی شدن، مستلزم درک واقعیات موجود و درس گرفتن از تجربه های گذشته است. در عصری که تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به سرعت در حال روی دادن است، رقابت شدیدی بین بازیگران بین المللی برای بهره گیری از فرصتها و امکانات محدود تشدید شده است. فن آوریهای اطلاعاتی و ارتباطاتی در حداقل زمان ممکن و به آسانی در تحریک، جهت دهی و آگاهی بخشیدن افکار عمومی به شدت فعالیت می کنند، الویت دادن به بحثهای چالش برانگیز و ناکارآمد گذشته و تأکید بر چالشها و کشمکشهای بی ثمر نتیجه ای جز از دست رفتن فرصتها، ندارد. بدیهی است کشورهایی که به لحاظ اقتصادی، تجاری و فن آوری از قدرت و توانایی بیشتری در عصر جهانی شدن برخوردار باشند، به مراتب نقش

بیشتر و مؤثرتری بر سایر کشورها و به طور کلی نظام بین المللی خواهند داشت.^(۲۹)

در این رابطه ضمن توجه به ابعاد سیاسی و فرهنگی توسعه، بر توسعه اقتصادی به عنوان مهم ترین و محوری ترین کار ویژه دولت جمهوری اسلامی تأکید می شود. لازمه این مهم انجام اصلاحات عمیق در ساختار اقتصادی کشور و کاهش تشنجات و تنشهای سیاسی خارجی و تحکیم رویکرد اقتصادی بر مناسبات خارجی است. این مهم نیز جز با افزایش امنیت اقتصادی و ثبات سیاسی داخلی و ارتقاء اعتبار سیاسی اقتصادی ایران در عرصه بین الملل تحقق نخواهد یافت. ضعف اقتصادی در آینده امنیت ملی کشورها را مهم می زند و با خطر مواجه می سازد هر چه کشوری به لحاظ اقتصادی قوی تر و توسعه یافته باشد کمتر در معرض خطر تهاجمهای اقتصادی قرار می گیرد.^(۳۰) بنابراین ضمن تأکید بر تداوم هر چه بیشتر و سریع تر اصلاحات اقتصادی اولویت و تقویت دیپلماسی اقتصادی به عنوان الزام ارتقاء منزلت اقتصادی ایران در اقتصاد و تجارت قابل توجه است. اجرای برنامه سوم توسعه و موفقیت آن در گرو گسترش تجارت خارجی و توسعه صادرات غیر نفتی است که این مهم نیز از طریق دیپلماسی تجاری و اقتصادی و سیاست تنش زدایی می تواند به نتیجه برسد. کار بست این سیاست و دیپلماسی در دو عرصه بینش و اجرا قابل توجه است.

الف- بیش

مهم‌ترین وجه و به عبارت دیگر مهم‌ترین عامل مؤثر در جایگزینی رویکرد اقتصادی در مناسبات خارجی، تغییر بیش‌نخبگان سیاسی و نهادهای سیاست‌گذاری کشور در بُعد کلان است. در شرایط کنونی نظام جهانی، درک واقعیات بین‌الملل و سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی بر اساس شرایط و امکانات موجود، اولین گام در جهت حیات سیاسی و اقتصادی کشورهاست. بدون تردید نخبگان سیاسی و تصمیم‌گیری‌جویی که متناسب با تحولات و واقعیات بین‌المللی و امکانات و تواناییهای داخلی، سیاست‌های برونی و درونی خود را تنظیم و اجرا کرده و می‌کنند از موقعیت مؤثر و کارآمدی در نظام جهانی برخوردار می‌باشند.

امروزه تغییر در اثر زمان تأثیرات بزرگی بر روابط بین‌الملل و مفاهیم قدرت دارد، سیاست‌رانی توان از مسئله پیچیده زمان و مکان و نیز آنان که به کاربرد زمان-مکان دسترسی دارند و آن را کنترل می‌کنند، جدا دانست^(۳۱) البته این پایان تاریخ نیست بلکه گامی از توسعه و پیشرفت تاریخی است و به قول ریویلیو یکی از اندیشمندان جامعه‌شناسی سیاسی، هر جامعه‌ای بر مبنای رابطه‌ای از سرعت بنا شده است. سرعت جنبه ناشناخته سیاست است.^(۳۲) بنابراین استنباط و ادراکات یک کشور نسبت به موقعیت آن در زمان و در تاریخ شاخصهای اصلی و کلید موفقیت می‌باشد.

مسئله مهم و سرنوشت ساز دیگر در حوزه

بیش، نوسازی و بهسازی متغیرهای منافع ملی و رهیابی راهبردها و سیاستهای مدرن و بروز برای تأمین آنها متناسب با شرایط روز و تواناییهای موجود است. بدون تردید از آنجا که جمهوری اسلامی ایران به لحاظ برخورداری از پتانسیلهای اقتصادی و تجاری روز، کشوری مطرح به شمار می‌آید، می‌تواند با حاکم ساختن رویکردی اقتصادی منافع ملی را تأمین کرده و بازیگری مؤثر در تحولات جهانی به شمار آید. این مهم مستلزم همراهی و همگامی کشور با جریانات حاکم، با نفوذ و مشروع بین‌المللی است.

نگاه به پدیده جهانی شدن و چگونگی برخورد با این پدیده، مسئله مهم دیگر در حوزه بیش است. اینکه جهانی شدن فرایندی اجتناب‌ناپذیر است و این پدیده یک پروسه است نه یک پروژه به ویژه در چگونگی برخورد با قضیه (بهره‌گیری از فرصتها یا مقابله با آن) بسیار مهم می‌باشد. ترویج صرف آثار سوء و منفی جهانی شدن بی‌توجهی به آثار مثبت آن اقدامی سنجیده و غیر عقلایی نیست.

در چنین شرایطی آنچه بیش از همه اهمیت دارد، گرایش نخبگان سیاسی به برونگرایی اقتصادی است. برونگرایی اقتصادی عبارتست از میزان و درصد وابستگی اقتصادی کشور به عوامل برونی برای برخورداری از یک رشد با ثبات و پایدار. در شرایط فعلی کشور به تکنولوژی، مدیریت و نیز بازارهای صادراتی مناسب احتیاج دارد تزریق تکنولوژی مطابق با شرایط بازار مهم‌ترین عامل موفقیت اقتصادی

کشور است. بُعد مهم دیگر این سیاست جذب سرمایه‌گذارانی مستقیم خارجی است که به همراه مدیریت کارآمد و مناسب موتور اقتصادی کشور می‌باشد.^(۳۳)

ب- اجرا

۲- اجرای دقیق و هدفمند سیاست تنش‌زدایی:
اجرای سیاست تنش‌زدایی هر چند در دوره اول ریاست جمهوری آقای خاتمی دستاوردهای مهمی برای سیاست خارجی ایران دربرداشت اما بیشتر نتایج سیاسی داشت. تداوم این سیاست در گروه هدفمندی لازم در راستای گسترش روابط اقتصادی و تجاری با کشورهای مختلف و موفقیت افزایش اعتبار بین‌المللی اقتصاد ایران است. به عبارت دیگر موفقیت اجرای سیاست تنش‌زدایی باید در بهبود و افزایش تعاملات اقتصادی و تجاری ایران نمودار شود. ضمن اینکه تنش‌زدایی در سیاست خارجی باید از حالت خنثی خارج شده و به ماهیت مثبت به خود بگیرد یعنی با ابتکار و خلاقیت ضمن کاهش بحرانها و تنشهای فی‌مابین ایران و کشورهای مختلف، در جهت ایجاد آرامش و ثبات سیاسی و امنیتی به ویژه در منطقه و کشورهای همسایه عمل شود.

چنان که در صفحات قبل نیز بیان شد، ساختار اقتصادی ایران با وجود برخورداری از شرایط بالقوه فاقد پویایی، تحرک و انعطاف‌پذیری لازم بوده و به اعتقاد بسیاری از کارشناسان و تحلیل‌گران، مهم‌ترین عامل رونق اقتصادی و یا ارتقاء منزلت ایران در اقتصاد جهانی، نگاهی برون‌گرایانه با هدف اتصال سنجیده و کارآمد با اقتصاد جهانی و جذب سرمایه‌گذارانی خارجی است. این مهم جدای از تغییر بینش نخبگان سیاسی و تصمیم‌گیری و فراهم ساختن یا اصلاح ساختارهای قانونی، امنیتی و اعتباری اقتصاد ملی، مستلزم فعال شدن دیپلماسی اقتصاد است. شرایط و ویژگیهای این دیپلماسی عبارتست از:

۳- حل مسائل و مشکلات موجود در روابط ایران قدرتهای بزرگ اقتصادی: در شرایط کنونی نمی‌توان نقش و قدرت تأثیرگذاری قدرتهای بزرگ اقتصادی نظیر آمریکا، اتحادیه اروپایی و ژاپن، چین و... را در اقتصاد و تجارت جهانی نادیده گرفت. حل مسائل و مشکلات سیاسی موجود میان ایران و کشورهای مزبور کمک بزرگی به رونق اقتصادی ایران به لحاظ

۱- بهره‌گیری مطلوب از ابزارهای اقتصادی در چانه‌زنیها: ایران به لحاظ داشتن مزیت‌های اقتصادی مطلوب نظیر وجود منابع عظیم نفت و گاز، موقعیت جغرافیایی مناسب و بازار بالقوه فعال از ابزارهای لازم برای بهره‌مندی در معاملات اقتصادی خود با اقتصاد برخورداری می‌باشد. بنابراین با بهره‌گیری با هدف از این ابزار می‌توان در بسیاری از چانه‌زنیهای بین‌المللی

از بین رفتن تحریمهای اقتصادی، جذب اعتماد سرمایه گذاران خارجی و مؤسسات مالی و اعتباری، نقش فعال تر در سازمانهای بین المللی مالی و اقتصادی و... می باشد. در این رابطه گفتگوهای اخیر ایران با اتحادیه اروپایی و تلاش برای انعقاد قرارداد همکاری اقتصادی و تجاری سیاست مبارک و قابل تحسینی است که می تواند نقطه عطفی در سیاست خارجی ایران باشد.

۴- گرایش بیشتر سفارتخانه ها و نمایندگی ایران در خارج کشور به مسائل اقتصادی و تجاری: ضروری است با توجه به غالب شدن رویکرد اقتصادی درست سیاست خارجی، نمایندگیهای ایران در خارج کشور در جهت اطلاع رسانی شفاف در مورد تحولات سیاسی، اقتصادی کشور، شناساندن فرصتهای سرمایه گذاری و فعالیت اقتصادی در ایران، بازاریابی، جلب اعتماد صاحبان صنایع، فن آوری، سرمایه و خدمات و فراهم کردن بستر همکاریهای اقتصادی و تجاری فعالیت کنند.

۵- تلاش برای عملی ساختن طرحهای اقتصادی و تجاری منطقه ای و بین المللی: طرحهای اقتصادی و تجاری عظیمی در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس به دلیل موقعیت جغرافیایی و داشتن منابع فراوان انرژی در حال اجرا یا مطالعه است. ایران به دلیل گستردگی موقعیت جغرافیایی، کشوری تأثیر گذار و مهم

در این طرحها به شمار می آید. طرح خطوط لوله انتقال نفت و گاز آسیای مرکزی و قفقاز از طریق ایران، خط لوله گاز ایران، پاکستان و هند، شبکه منطقه ای گاز در خلیج فارس، انتقال گاز ایران به ترکیه و اروپا و کریدور ترانزیتی شمال جنوب از جمله این طرحها به شمار می آید. اجرای این طرحها جدای از افزایش درآمدهای ارزی و ایجاد اشتغال، ایران را به مرکز ثقل تجاری، ترانزیتی و انرژی جهان تبدیل می سازد. برخی از این طرحها نظیر انتقال نفت آسیای مرکزی به اروپا به دلیل مسائل سیاسی و جایگزینی مسیرهای دیگر لغو گردید و برخی نیز در حال مطالعه و اجراست. با توجه به وجود آلترناتیوهای دیگر برای طرحهای در دست مطالعه و در نتیجه از دست رفتن فرصتهای ذی قیمت، لازم است دستگاه سیاست خارجی با رایزنی و ابتکار عمل به عملی شدن این طرحها کمک کند.

۶- برقراری ارتباط سازنده و مفید بین وزارتخانه ها و سازمانهای اقتصادی و تجاری کشور با وزارت امور خارجه: غالب شدن رویکرد اقتصادی بر مناسبات خارجی کشور بدون حضور و مشارکت سازنده وزارتخانه ها و سازمانهای اقتصادی و تجاری امکان پذیر نیست. ضمن اینکه در ابتدای قرن بیست و یک که مسائل اقتصادی محور تعاملات بین المللی قرار گرفته و در نتیجه نقش برونی سازمانهای اقتصادی افزایش یافته، ایجاد هماهنگی بین این

اهمیت و کارآمدی سابق را از دست داده و در عوض دیپلماسی اقتصادی از برجستگی و اهمیت خاصی برخوردار شده است. کاربست و کارآمدی این دیپلماسی به ویژه در مورد کشورهای در حال توسعه که در پی بهره‌گیری مناسب از فرصت‌های جهانی شدن و کاهش حساسیتها و آسیب پذیریهایی آن می‌باشند از اهمیت بیشتری برخوردار است.

کاربست این رهیافت در مناسبات خارجی ایران نیز ضروری به نظر می‌رسد. این ضرورت ناشی از نیاز مبرم به فرصت‌های موجود در اقتصاد جهانی برای تحرک توسعه اقتصادی داخلی و اهمیت اقتصادی و تجاری ایران برای اقتصاد جهانی است. کارآمدی این رهیافت نیز مستلزم اصلاح بینش نخبگان سیاسی و اقتصادی نسبت به تحولات جهانی، اجرای هدفمند و برنامه‌ریزی شده این رهیافت و تربیت نیروی انسانی متخصص در جهت پیش بردن این رهیافت و حضور در چانه‌زنیهای بین‌المللی است.

پانوشته‌ها

- 1- A. G. MC Grew, "Global Politics: Globalization and the Nation - state," in Coceptualizing Global politics(ed), by A. G. McGrew. Cambridge; The Polity Press, 1992. p.23
- 2- John. H. Dunnig, "The Advent of Alliance Capitalism," in the New Globalism and Developing Countries by

سازمانها و وزارت امور خارجه حتمی و ضروری است. عملی شدن طرحهای اقتصادی و تجاری منطقه‌ای لزوم این هماهنگی و مشارکت را دو چندان می‌کند.

۷- شرکت فعال ایران در بلوکهای اقتصادی منطقه‌ای و جهانی با توجه به روند همگرایی منطقه‌ای و تبدیل منطقه ژئوپولیتیک خاورمیانه به ژئواکونومیک همانند سازمانهای اکو، گروه هشت و سازمان تجارت جهانی. این مسئله خود به خود شرایط و امکانات لازم را بر نظام اقتصادی کشور برای ورود به مرحله برونگرایی اقتصادی فراهم می‌نماید.^(۲۹)

۸- توجه به نیازها و امکانات بخش خصوصی از آنجا که بخش اعظم روابط تجاری و اقتصادی کشور بر دوش بخشهای خصوصی و اصناف گروههای نظیر اتاق بازرگانی صنایع و معادن می‌باشد و ساختار اقتصادی ایران به بحث خصوصی سازی و تقویت بخشهای خصوصی در حال حرکت است، توجه به خواسته‌ها و نیازها و فراهم کردن امکان مشارکت آنها در فرایند سیاستگذاری خارجی ضروری است.

فرجام

فرایند روبه‌تکامل جهانی شدن اقتصاد در حلول دودهم گذشته، تحولات و الزامات خاص خود را به همراه آورده است. در شرایط کنونی، دیپلماسی سیاسی - امنیتی دوران جنگ سرد

- ص ۱۷۱-۱۹۸
- ۱۶- ارسطو امامی خویی؛ «جای ایران در بازارهای جهانی»، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۶۰-۱۵۹ (آذر و دی ۱۳۷۹) صفحه ۲۰۴.
- ۱۷- همان، صفحه ۲۰۴.
- ۱۸- «همایش بررسی سیاستهای صادراتی برنامه سوم توسعه اقتصادی» نامه اتاق بازرگانی (اسفند ۱۳۷۷).
- ۱۹- لیلا سرفراز، «جایگاه ایران در تجارت جهانی» ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۶۰-۱۵۹ (آذر و دی ۱۳۷۹) صفحه ۲۰۹.
- ۲۰- همان، صفحه ۲۰۹.
- ۲۱- «گزارش سالانه سازمان سرمایه گذاری، کمکهای اقتصادی و فنی ایران»، وزارت امور اقتصادی و دارایی، (پایان خرداد ۱۳۷۹)
- ۲۲- روزنامه ابرار اقتصادی ۱۳۸۰/۳/۲۲.
- ۲۳- «اهداف کمی بخشهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در برنامه سوم توسعه کشور»، روزنامه ابرار اقتصادی ۱۳۸۰/۶/۱۹.
- ۲۴- همان.
- ۲۵- ماهنامه اقتصاد ایران؛ فروردین ماه ۱۳۸۰، صص ۳۷-۳۸.
- 26- Rehman Sobhan; Rethinking the Role of the State In Development (Daka; University Press Limited, 1993) p.18.
- 27- Anna Leander, "Dependency Today - Finance, Firms, Mafias and the State", Thind World Quarterly, Vol 22. No.1.
- 28- Ming Chang Tsai" "Dependency, the State and Class in the Neoliberal of Taiwan" Third World Quarterly, Vol 22. No 3. p367.
- 29- Nagair Woods; op.cit, pp. 85-88.
- 30- Ibid;
- ۳۱- دانیل وارنر؛ «سیاست زمان: نگاه تئوریک به نقش متحول زمان در روابط بین الملل»، ترجمه بدرالزمان شهبازی، فصلنامه سیاست خارجی، سال چهاردهم (زمستان ۱۳۷۹) صفحه ۹۷۲-۹۷۳.
- 32- Paul Virilo; Pure War, Revised Edifion, (NewYork: Semiotext, 1997), pp. 36-49.
- ۳۳- «جمهوری اسلامی ایران و برونگرایی اقتصادی»، ماهنامه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، شماره ۷، (۱۳۷۹)، صفحه ۲۷.

John H. Dauning, New York: United Nation University Press, 1997. pp. 12-51

3-Ngaire Woods, the Political Economy of Globalization. London: Macmillan Press. L.D. 2000,P.7.

4- John. H. Dauning, op -cit, p.14

5- Ankie Hoogvelt, Globalization and the Post cobonial world, Mary Land: the Johns Hopkins University Press, 1997. p.p. 122-124

6- Richard Phillips, "Approaching the Organization of Economic Activity in the Aag of Cross - Border Alliance Capitalism, "in Global Political Economy (ed) Ronen palan, op-cit, pp. 36-52

۷- علیرضا سلطانی، جهانی شدن اقتصاد و روابط نوین شمال- جنوب، پایان نامه کارشناس ارشد روابط بین الملل، دانشگاه تهران؛ دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۷۶، صص ۷۴-۷۳

۸- دومینیک سالوانوره، تئوری و مسائل اقتصاد بین الملل، ترجمه هدایت ایران پرور، حسن گلریز، تهران: نشر ن، ۱۳۷۵، ص ۴۴

9- Sanjaya lall, "FDI, Technology and Competitiveness," World Bank, 1999. http. www. Worldbank. Org. ||

10- UNCTAD, "Estimated FDI Flows in 2001 and the Impact of the Events in U.S.Newyork: United National, 2001. p.3

11- Benjamin. j. Cohen, "Mony in a Globalized World", in the Political Economy of Globalization. op - cit, pp. 77.106

12- Gred Hausler, "The Globalization of Finance, "http: //www.imf.org extewnal/ pubs/ ft fondd1 2000

13- Robert Gilpin: The Challeng of Global Capitalism, Princeton: Princeton University Press, 2000, pp.20-28

14- UNCTAD, "plan of Action, 2000, http: //www. mofa. go. jp/policy /un/ unctad/ plan 2002

۱۵- جی.بی. مدیسون؛ جهانی شدن: چالشها و فرصتها، ترجمه محمود سلیمی، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۲، (زمستان ۱۳۸۰)